

# سیره تربیتی امام سجاد علیه السلام

## در دعای مکارم الاخلاق

سیدرضا هاشمی شاهقبادی\*

### چکیده

یکی از بهترین راه‌هایی که اهل بیت علیهم‌السلام برای تربیت به ما معرفی کرده‌اند، دادن بینش و آگاهی از خدا و انسان در قالب دعا است. روش‌های تربیتی امام سجاد علیه‌السلام در دعای مکارم الاخلاق با روش تحلیلی-توصیفی و کتابخانه‌ای بررسی شده است. امام سجاد علیه‌السلام در این دعا از چهارده روش تربیتی، شامل: اعطای بینش، یادآوری نعمت‌ها، عفو، رفق و مدارا، محبت، تغافل، انذار و تبشیر، امتحان و ابتلا، تکریم و احترام، میانه‌روی، تنبه، تقلید آگاهانه و الگویی، تشویق و تسلیم بهره جسته‌اند.

**کلیدواژه‌ها:** امام سجاد علیه‌السلام، دعای مکارم الاخلاق، سیره تربیتی، تربیت، اخلاق، روش‌های تربیتی.

\*. دانش‌پژوه کارشناسی ارشد اهل بیت‌شناسی،  
مجمع آموزش عالی امام خمینی رحمته‌الله، قم.

## مقدمه

انسان، خلیفه‌ی خدای کامل مطلق است. خداوند خلیفه‌ی خویش را به گونه‌ای آفریده است که مستعداً اتّصاف به همه‌ی کمالات است. اما وصول به قلّه‌ی کمالات نیازمند تربیت صحیح می‌باشد و برای دست یافتن به آن باید بهترین شیوه‌ها را انتخاب نمود. به یقین، برترین و بهترین روش‌ها را می‌توان فقط در کلام و سیره‌ی انسان‌های کامل هر عصر و زمان، جست‌وجو کرد. انبیاء و اولیای الهی که خود بیش از همه دغدغه تربیت انسان را داشته‌اند، در همه حال و همه جا سعی و تلاش کردند که آموزه‌ها و راه‌های وصول به کمال را به انسان‌ها بنمایانند. اگرچه در این راه با موانع، مشکلات و حتی جنگ و شهادت رو به رو شوند.

یکی از برجستگان و برگزیدگان این راه، علی بن الحسین امام سجاد علیه السلام است که با تحمل سختی‌های بسیار و شرایط اختناق شدید، این وظیفه را به بهترین نحو به انجام رساندند. امام سجاد علیه السلام برای غلبه به جبر زمان و فضای بسته‌ی سیاسی و فرهنگی، از طریق دعا، بسیاری از شیوه‌ها را برای طالبان راه کمال، بیان کرده‌اند.

نیایش و دعا در نظام تعلیم و تربیت اسلامی برای شخص متربی و دعاکننده جلوه‌گاه شناختی عمیق، عشقی شورانگیز و خواسته‌هایی متعالی است. دعا برای انسان، تجلی مسؤولیت فردی و اجتماعی و آگاهی و نیاز می‌باشد. این مقاله در پی آشنایی با اهداف و روش‌های تربیتی امام سجاد علیه السلام براساس دعای مکارم الاخلاق می‌باشد.

در ابتدا سعی شده تا با شناخت اهداف تربیتی و اخلاقی امام سجاد علیه السلام به بهتر شناختن و بهتر شناساندن شیوه‌های تربیتی و اخلاقی آن امام همام نزدیک شویم.

## هدف از تربیت

هدف از تربیت، کامل ساختن و رساندن انسان از نخستین حد وجودی، به عالی‌ترین مرتبه‌ی رشد و کمال است.<sup>۱</sup> تجلی‌گاه این رشد و کمال، در عبادت حق و شناخت خداوند متعال پدیدار می‌شود. از این رو، امام سجاد علیه السلام در فراز سوم دعای مکارم الاخلاق می‌فرمایند: «

« که هدف از خلقت را همان عبادت خداوند متعال می‌شمارند. این است تفسیر آیه‌ی قرآن

که »<sup>۲</sup>.

۱. مهدی نراقی، علم اخلاق اسلامی ترجمه جامع السادات، جلال الدین مجتوی، چ سوم، ج یکم، تهران، حکمت، ص ۶۶، ۱۳۶۶.

۲. ذاریات: ۵۶.

## اهداف تربیتی امام سجاد (ع)

علاوه بر هدف اصلی، یعنی عبودیت، می‌توان هدف‌هایی کوچک‌تر و فرعی‌تر نیز برای نظام تربیتی اسلام برشمرد. اهداف تربیتی امام سجاد (ع) در دوران رهبری‌شان در سه محور خلاصه می‌شود:

**۱. هدایت به حق و تمیز حق از باطل:** روش‌های امام سجاد (ع) برای اجرای این خواسته متفاوت است. یک روز با خطابه‌ی علی‌گونه، روز دیگر با گریه بر امام حسین (ع) و شهدای کربلا، گاهی با پرورش اصحاب و یاران، و روزی با تعلیم دعا و موعظه. ایشان به عنوان رهبری آگاه و دل‌سوز، همیشه دغدغه‌ی هدایت بشر به سوی حق را داشته‌اند، در فراز بیستم دعای مکارم الاخلاق می‌فرمایند: «راهنمایی کردن نیک و صحیح را به من عطا فرما.» در مورد حق‌جویی و پیروی از آن نیز در فراز دهم همین دعای شریف می‌فرمایند: «و القول بالحق و إن عزّ؛ خدایا گفتن حق را روزیم کن اگر چه سخت باشد.»

**۲. توحید محوری یا انگیزش الهی:**<sup>۱</sup> که هدف مشترک همه‌ی انبیاء اولیاء و مربیان الهی است. انگیزه و محرک اعمال انسان در نظام تربیتی اسلام، رضایت خداوند و تقرب به اوست. امام سجاد (ع) نیز به تربیت بر مدار توحید که نشان‌گر تعالی انگیزه و در نتیجه تعالی شخصیت یک انسان است، تأکید می‌فرماید. بنابراین، در ادعیه این امام به مفاهیمی چون: عبودیت، معرفت خدا، ایمان، یقین، نیت، عمل صالح و تقوا توجه خاصی شده است. روی آوردن به دعا آن هم با مضامین دقیق و والا، روحیه‌ی مذهبی و خدا دوستی را در انسان تقویت می‌کند و او را به سوی توحید ناب و خالص سوق می‌دهد. این گونه خواندن خدا نشان آن است که امام (ع) همه چیز را در دست قدرت خدا، از سوی او و برای او می‌بیند و این معنی توحید افعالی در اعتقادات است. سراسر دعای زیبای مکارم الاخلاق، انسان را متوجه خدا کرده و او را متوجه بندگی او می‌کند که نتیجه‌ی آن جریان توحید عملی در زندگی انسان است.

**۳. اصلاح جامعه‌ی اسلامی و رسیدن به حیات طیبه:** همان گونه که تمام انبیاء و اولیای الهی بر این هدف تأکید می‌فرمایند، امام سجاد (ع) نیز آن را از خداوند طلب می‌کند. ایشان

۱. رجب‌علی مظلومی، کلیدهای تربیتی و تعلیمی برای اولیای تربیتی، تهران، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۶۴، ص ۱۲۴.

در فراز سوم دعای زیبای مکارم الاخلاق می‌فرمایند: «

». با درک و فهم هدف اصلی تربیت- که عبودیت

است، خدمت به مردم و ارتباط با آن‌ها با خوی‌های پسندیده را می‌توان از آثار اهتمام به این هدف برشمرد. از طرفی با توجه به آفات و موانع این هدف هم چون منت و فخر، می‌توان به نکاتی دیگر چون چشم نداشتن به مال و کمک دیگران و تقویت روحیه‌ی تلاش و توکل اشاره کرد. امام چهارم علیه السلام نیز به این مسائل در فراز سوم دعا پرداخته‌اند:

«بارخدا، بی‌نیازم کن از کاری که انجام آن مرا از عبادت و بندگی تو باز می‌دارد و به آن چه که فردا از آن سوال و بازپرسی می‌نمایی، وادار منما. روزهای مرا در آن چه که برای آنم آفریده‌ای صرف نما، مرا از دیگران بی‌نیاز فرما و روزیت را برای من گشایش ده و به چشم داشت [به کمک دیگران] گرفتارم مفرما و مرا عزیز و گرامی بدار...».

## روش‌های تربیتی امام سجاده علیه السلام در دعای مکارم الاخلاق

قبل از آغاز بحث منظور از روش‌های تربیتی مشخص می‌شود و سپس به خود روش‌ها که برگرفته از متن دعای شریف مکارم الاخلاق است، پرداخته می‌شود.

**روش‌های تربیتی:** مقصود از روش‌های تربیتی، شیوه‌هایی است که برای رساندن متربی به اهداف مورد نظر استفاده می‌شود. در اسلام اغلب این روش‌ها و اصول تربیتی برگرفته از مبانی عقلانی و وحیانی است. برای مثال در نظام تربیتی اسلام از آیه‌ی شریفه‌ی «

کرامت ذاتی انسان و حفظ عزت نفس متربی استنباط می‌شود و برای اجرای این اصل تربیتی که باعث حفظ و تقویت عزت نفس شخصیت متربی می‌گردد، از روش‌هایی مانند: تغافل، عفو و محبت استفاده می‌شود. مربی با به کارگیری این شیوه‌ها بر مخاطب تأثیر می‌گذارد و باعث تشویق و ترغیب او به رفتارهای خوب، و دوری از کردارهای ناپسند می‌شود.



## ۱. روش اعطای آگاهی و بینش

ایجاد بصیرت و بینش، که نوعی درک درونی است. انسان را با واقعیت مورد نظر پیوند می‌دهد و از اهداف مهم انبیاء و فلسفه بحث ایشان است. بینش انسان درباره‌ی اعمال و رفتار، هنگامی کامل می‌شود که از خویش، خالق و جهان اطرافش آگاهی داشته باشد. در این صورت است که این روش، مبتنی بر اصل تحول باطن می‌شود. امام سجاد علیه السلام این روش را در سراسر دعای مکارم اخلاق ذکر نموده‌اند، به طوری که هر فراز دری از درهای علم اخلاق و انسان شناسی را به روی انسان می‌گشاید. فراز اول و دوم دعا، اعطای بینش را به طور کلی و جامع در اصلاح نیت می‌داند، زیرا هیچ انگیزه و نیتی بدون شناخت و آگاهی شکل نمی‌گیرد. با توجه به فرازهای مختلف دعای مکارم الاخلاق می‌توان روش اعطای بینش را به طور کلی به سه بخش کلی تفکیک کرد.

## الف.

**اعطای بینش در مورد خدا:** امام سجاد علیه السلام در سراسر این دعای شریف سعی می‌کنند تا انسان را با خالق و مدبر آشنا کرده و تمامی امور را به خداوند نسبت دهند. در حقیقت، زبان دعا، زبان تکلم و خواهش با حضرت حق است. فراز سوم دعا به صفات خدا و رعایت اصل «تأسی از الگو» اشاره دارد. معرفی صفات خداوند مانند: خالق، رب، غنی، عزیز، رزاق، واسع، وهاب و بازخواست کننده در قیامت در ارتباط با همین اصل تربیتی است.

**ب. اعطای بینش در مورد دنیا:** دنیا در نظام تربیتی اسلام جایگاه امتحان و مسیر رفتن به سوی خداوند است، دار بلا و اَمَل و آرزو است و متاع آن باعث فریب و غرور انسان می‌شود. در دعا‌های امام زین العابدین علیه السلام، دنیا وسیله‌ای برای نیل به مقصد و یگانه گذرگاه برای سفر به جهان آخرت است.

این روش تربیتی، الگویی برای نیل به کمال است که براساس آن، انسان دل‌بسته‌ی دنیا نخواهد بود، بلکه آن را وسیله‌ای برای پرورش روح، راهیابی به دایره‌ی رضایت خداوند و مقام خلیفه اللهی می‌داند. از این رو امام سجاد علیه السلام در فراز پنجم دعای مکارم الاخلاق می‌فرمایند: «تا هنگامی که زندگی‌ام در فرمانبری تو به کار رود عمر ده و هرگاه زندگی‌ام چراگاه شیطان شود مرا بمیران»<sup>۱</sup>.

۱. متن این فراز این گونه است:

**ج. اعطای بینش در مورد انسان:** فرازهای دعای شریف امام سجاد علیه السلام انسان را دارای حالات و جلوه‌های تربیتی متفاوت معرفی می‌کند، که باید استعدادها و محدودیت‌هایش را بشناسد تا از آن‌ها در مسیر کمال استفاده کند. از نظر امام، انسان دارای قابلیت‌هایی است که با بینش صحیح نسبت به خویش، می‌تواند زمینه‌های رفتار پسندیده را فراهم سازد. بر این اساس، تصحیح بینش انسان درباره‌ی خود، یک روش تربیتی به حساب می‌آید. در فراز سوم دعای مکارم الاخلاق می‌فرمایند: »

ایشان دارد که همان عبادت خداوند متعال است.

در فرازهایی نیز حضرت علی بن‌الحسین علیه السلام تعدادی از آفات و مفسدات تعالی انسان را گوشزد می‌کنند. از آن جمله فراز سوم دعاست که می‌فرمایند:

»

؛ و به نگاه کردن [به کمک دیگران] گرفتارم مفرما، مرا عزیز و گرامی بدار، به کبر و سربلندی دچارم مکن و مرا سزاوار بندگی خود کن و عبادتم را به عجب و خودپسندی تباه مگردان؛ خیر و نیکی برای مردم را به دست من روان ساز و آن را به منت نهادن، باطل مفرما و خوی‌های پسندیده را به من ببخش و مرا از به خود نازیدن نگاه دار.»

ایشان با اشاره به آسیب‌ها و مفسدات تربیتی مانند چشم داشتن به دیگران، کبر و خود بزرگ بینی، عُجب، منت‌گذاری و فخر فروشی سعی دارند انسان‌ها را در راه تربیت با بینش صحیح و پیراسته وارد سازند تا در این مسیر دچار این آفت‌ها و مفسدات نشوند. این بصیرت حاصل نمی‌گردد مگر آن که انسان از راه‌های ورود و پیدایش آفات با خبر و دارای بینش و آگاهی صحیح باشد.

## ۲. روش یادآوری نعمت‌ها

یکی دیگر از روش‌های تربیتی، شیوه‌ی یادآوری نعمت‌هاست که مبتنی بر اصل تذکر می‌باشد. اصل تذکر بیانگر آن است که گاهی باید فرد را به آن چه علم دارد یادآوری کرد، زیرا انسان دچار غفلت می‌گردد. در این روش سعی می‌شود که آدمی با خویشتن روبه رو شود، به خود بنگرد و شیرینی نعمت‌هایی را بچشد که به او ارزانی شده است.<sup>۱</sup>

۱. خسرو باقری، *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، تهران، ص ۱۴۸.

اثر تربیتی این روش آن است که مربی غفلت فرد یا جمع را با یاد آوردن نعمت‌هایی که در گذشته به مربی یا مربیان اعطا شده می‌زداید و در او شور و رغبت تازه‌ای برای عمل به وجود می‌آورد.

هم‌چنین مربی باید خوشی‌ها و سختی‌های زندگی مربی را در خاطر او زنده کند، تا او را برای به ثمر رساندن نعمت‌هایی که در اختیار اوست، فرا خوانده و او را به سمت هدف به راه اندازد. امام سجاد (علیه السلام) در فراز بیستم این دعا، بالاترین نعمت را یادآوری می‌کند و آن، وجود خدا و شناخت اوست که درمان و گره‌گشای همه‌ی دردها و مشکلات است. حضرت این چنین با او نیایش می‌کنند:

»

؛ بارخدا یا اگر اندوهگین شوم ساز و سامانم تویی، اگر نومید شوم امیدم تویی، اگر غم‌های سخت به من رو آورد فریادرم تو هستی. با توست و نزد تو است عوض هر چه از دست رفته و صلاح و سازگاری هر چه تباه گشته و تغییر در آن چه زشت دانسته‌ای همه در اختیار توست».

### ۳. روش تغافل

تغافل، صفتی پسندیده و یکی از اصول اخلاقی و تربیتی ائمه (علیهم السلام) می‌باشد<sup>۱</sup> و دارای آثار درخشانی در تربیت است. تغافل، یعنی انسان چیزی را بداند و از آن آگاه باشد ولی با اراده و از روی عمد خود را غافل نشان دهد و وانمود کند که از آن آگاه نیست<sup>۲</sup>.

مقصود ائمه (علیهم السلام) از تغافل در اخلاق و تربیت این است که انسان در مواردی از آن بهره ببرد که پنهان کردن مسأله‌ای لازم یا پسندیده باشد و یا با بزرگواری از کنار آن چشم پوشی کند تا باعث حفظ آبروی دیگران شود.

پنهان ساختن عیوب و لغزش‌های دیگران بسیار نیکو است؛ زیرا هر کس که عیبی دارد سعی می‌کند از دیگران پنهان نماید. در امر تربیت اگر از مربی پرده دری شود، آبرو و حیثیت اجتماعی وی

۱. برای نمونه؛ امام علی (علیه السلام) می‌فرمایند: کسی که از بسیاری امور تغافل نکند، آرامش و آسایش خود را متزلزل کرده است. هم‌چنین امام (علیه السلام) تغافل نمودن از امور ناچیز را باعث افزایش منزلت تغافل کننده می‌داند، و با بیان مضرات عدم به کارگیری این شیوه مخاطب را به این روش هدایت و تحریک می‌فرماید: «تغافل شاخه‌ای از حلم و بردباری است و بدون حلم نمی‌توان به آن دست یافت». (عبدالواحد آمدی، **غررالحکم**، ج ۲، ص ۷۱۷، ش ۱۴۸۶).

۲. محمدتقی فلسفی، **گفتار فلسفی: اخلاق از نظر همزیستی و ارزش‌های انسانی**، تهران، هیئت نشر معارف اسلامی، ص ۴۰۳.

خداشه دار می‌گردد و این خود نوعی تشویق به خطا است که باعث گمراهی می‌شود. اگر نگرش مثبت به فرد نباشد، از انجام کارهای ناپسند به‌طور آشکارا نخواهد ترسید.<sup>۱</sup>

ذکر این نکته لازم است که تغافل در روش ائمه با تغافل منفی منافات دارد؛ تغافلی که از اثر حسن نیت نباشد و انگیزه آن هوای نفس و اندیشه‌های پلید باشد. مانند تغافل شخص حسود، تغافل انسان سودجو، تغافل فرد جاه طلب و مانند این‌ها<sup>۲</sup> که شخص خود را در مورد صفات و ویژگی‌های خوب فرد دیگر به تغافل می‌زند.

## روش تغافل مربی از خطاهای مرتبی در کلام امام سجاد علیه السلام<sup>۳</sup>

**الف. چشم پوشی خداوند از گناهان بندگان:** خداوند که مربی همه‌ی بندگان است با پوشانیدن عیوب آنان و رسوا نکردن‌شان، سعی در نزدیک کردن آن‌ها به خویش دارد. در قرآن کریم<sup>۴</sup> نیز این روش مورد تأیید قرار گرفته است. حضرت سجاد علیه السلام نیز با زبان دعا، این روش را از خدا متوقع است و می‌خواهد که خدا از اعمال بد او نه تنها تغافل ورزیده، بلکه آن‌ها را به حسنات تبدیل کند. مانند فراز بیست و هشتم دعا که می‌فرماید: «  
را در هر حال نیکو گردان»

بیان این روش تربیتی، تغافل را به همه‌ی مربیان آموزش می‌دهد. وقتی خداوند برای اصلاح رفتار بندگان از خطاهایشان تغافل می‌کند، پس باید همه‌ی بندگان در مقام تربیت به این نحو عمل کنند.

**ب. تغافل انسان‌ها نسبت به یک دیگر:** از نظر امام چهارم، تغافل علاوه بر آن که در تربیت ضروری است، یکی از اصول مهم زندگی اجتماعی می‌باشد. تغافل در بسیاری از موارد باعث آرامش زندگی و سامان یافتن امور دنیایی و اجتماعی است. در تربیت نیز تغافل از خطای مرتبی او را در مسیر هدایت قرار داده و در این راه تشویق و تثبیت می‌کند. اوج صفت و روش تغافل را امام در فراز نهم دعای مکارم الاخلاق به ما نشان داده و می‌فرماید:

۱. ناصر مکارم شیرازی، اخلاق در قرآن، قم، امیرالمؤمنین، ج ۲، ص ۳۵۱.

۲. محمدتقی فلسفی، اخلاق از نظر همزیستی و ارزش‌های انسانی، ص ۴۰۶.

۳. خسرو باقری، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ص ۱۳۷.

۴. توبه: ۶۱.

؛ و مرا توفیق ده تا با کسی که با من غش نموده از روی اخلاص و دوستی رفتار کنم، کسی را که از من دوری کرده به نیکویی پاداش دهم، کسی که مرا نومید گردانیده به بخشش عوض دهم، کسی را که از من بریده به پیوستن مکافات نمایم و از آن که از من غیبت نموده به نیکی یاد کنم و نیکی را سپاس گزارده، از بدی چشم بپوشم.»

### ج. سه روش هم‌خانواده (روش‌های عفو، مدارا و محبت)

قبل از پرداختن به روش‌های بعدی به این نکته باید توجه داشت که سه روش عفو، مدارا و محبت، روش‌های هم سو و هم گرا از خانواده‌ای واحد هستند. می‌توان گفت که به ترتیب، هر کدام درجه‌ای عالی‌تر از روش قبلی هستند که برای مربیان و متریبان با ظرفیت‌های متفاوت توصیه می‌شود.

در مرحله اول برخورد با متربی خاطی از روش عفو استفاده می‌شود اما اگر متربی در ادامه راه به انجام مجدد خطا دست یازد، باید از روش مدارا بهره برد. روش سوم، یعنی روش محبت ناظر به این دو روش گذشته است؛ یعنی، می‌توان از مرحله‌ی اول یا مرحله‌ی دوم سود جست. نکته‌ی ظریف و دقیق در روش محبت این است که فقط ناظر به ظرفیت و جایگاه متربی نیست، بلکه ناظر به ظرفیت و جایگاه مربی نیز هست. در این روش مربی باید معلمی خودساخته با روحی متعالی باشد تا بتواند از این روش به بهترین شکل استفاده کند و این به تربیت و بینشی صحیح و عمیق بستگی دارد.

### ۴. روش عفو

بخشش به معنای تغییر ارادی و آگاهانه‌ی قلبی و گذشت از اشتباه شخص است که با انگیزه‌ی آرامش روانی و جلب رضایت پروردگار صورت می‌گیرد. عفو را می‌توان در ارتباط خدا با خلق، خلق با خلق، جست و جو کرد. امام سجاد (ع) در فراز بیست و هشتم، نوع اول این روش را از خدا می‌خواهد؛ یعنی، عفو خالق نسبت به مخلوق و چنین می‌فرماید: «و در فراز پایانی دعا نیز می‌فرماید:»

«.

نوع دوم روش عفو که در بین ما انسان‌ها است، در فراز نهم دعا دیده می‌شود. البته این فرازاها علاوه بر عفو، محبت و خیرخواهی شخص داعی را نسبت به افراد دیگر بیان می‌کند.

## ۵. روش رفق و مدارا

بر اساس مفاد آیات قرآن، سیره‌ی پیامبر ﷺ و ائمه علیهم السلام در تربیت، اصل بر تسهیل و ملایمت و مدارا است. مدارا در مراحل اولیه‌ی تربیت و خطاهای ناشی از جهل و به دور از لجاجت متربی ضروری است بنابراین در تربیت، اصل بر رفق و مدارا است و این شیوه، زمینه‌ساز انگیزه‌ها و مشوق متربی برای پذیرش مبانی و راه‌های تربیت و نزدیک شدن او به اهداف تربیتی است.

گاهی متربی - به‌ویژه نوجوان و جوان - بنای ناسازگاری با مربی می‌نهد که در این موارد نباید پاسخ او را با ناسازگاری داد، بلکه باید با مدارا و رابطه‌ای مبتنی بر احترام متقابل او را به سازگاری با دیگران دعوت نمود. برخورد امام با کسانی که به او بدی کرده‌اند در فراز نهم دعا، نمونه‌ای کامل و جامع از روش تربیتی است. امام در این فراز در مقابل بدی و کثری دیگران، از خدا می‌خواهد تا به او قدرت چشم‌پوشی از گناهان آنان ارزانی دارد<sup>۱</sup>.

## ۶. روش محبت

محبت اکسیر اثربخشی است برای تغییر بسیاری از صفات و حالات انسان و در تعلیم و تربیت به عنوان یک شیوه‌ی بسیار مهم و قوی مطرح می‌باشد. محبت یعنی دوستی و میل طبع به چیزی لذت دار<sup>۲</sup>. ملامهدی نراقی نیز در تعریف محبت گفته است: «محبت یعنی میل و کشش طبع به چیز سازگار و لذت‌آور»<sup>۳</sup>. روش محبت در سراسر نظام تربیت اسلام هم‌چون روح در کالبدست و دارای مراتبی است که در ادامه به آن اشاره می‌شود. نکته‌ی ظریف و زیبایی که در روش محبت در نظام تربیتی اسلام نهفته شده و نباید از آن غافل شد این است که رابطه‌ی مربی و متربی در این نظام از نوع عاشق و معشوقی و محب و محبوبی است.

**الف. محبت خدا به بندگان یا محبت مربی به متربی:** از جمله صفات خداوند، محبت او به همه‌ی مخلوقات به‌ویژه انسان است. در قرآن کریم نیز خداوند بارها محبت خود را ابراز فرموده،<sup>۴</sup> به همین دلیل، امام سجاده علیهم السلام نیز لحظه به لحظه و گاه تا گاه متربیان را به این موضوع متوجه می‌سازد. این روش خود باعث تقویت و اطمینان متربی به رب حقیقی می‌گردد زیرا؛ او درمی‌یابد آن‌که را باید اطاعت کنند خیرخواه حقیقی و محبوب حقیقی است. از این رو امام در فراز پانزدهم دعای زیبای مکارم الاخلاق می‌فرماید:

۱. ناظر به فراز نهم دعا است که می‌فرماید: «

۲. حسن عمید، فرهنگ عمید، ج ۲، ص ۱۷۶۹.

۳. مهدی نراقی، علم اخلاق اسلامی، ص ۳۹۶.

۴. مانند این آیه شریفه: ... (اعراف، ۱۵۶) و نمونه زیاد دیگر مانند: مائده، ۵۴، انعام ۱۲ و آل عمران ۳۱.

«خدایا به سوی آمرزش تو آمده‌ام و به عفو و بخشش تو نیاز دارم و به گذشت تو آرزومندم و به احسان و نیکی تو اطمینان دارم...».

و از این فراز واضح‌تر، فراز بیست و نهم دعاست که امام سجاد علیه السلام چنین با خدای خویش نیایش می‌کند و محبت او و راه‌های رسیدن به آن را طلب می‌نماید: »

«.

**ب. محبت بنده به خدا یا محبت متربی به مربی:** محبت بنده به خدا مهم‌ترین سر منشأ تربیت نیکو و وصول به کمال است. محبت، انسان را به هم رنگی، گذشت و ایثار در راه محبوب می‌کشاند، به اطاعت و می‌دارد و در تربیت انسان نقش اساسی ایفا می‌کند<sup>۱</sup>. امام سجاد علیه السلام که مربی بشریت است با تأسی از این روش در فراز یازدهم دعا از خدا توفیق می‌خواهد که از اموری که خلاف رسم دوستی و محبت به اوست، ایمن و دور باشد. »

«.

**ج. محبت انسان‌ها به یک‌دیگر:** عناصر این محبت انسان‌ها هستند. در ادعیه و سیره‌ی عملی امام سجاد علیه السلام از روش محبت برای تربیت و هدایت همه‌ی مسلمانان، فرزندان، غلامان و حتی دشمنان و دوستان ناآگاه استفاده شده است. از جمله در دعای سوم می‌فرماید: »

«.

این فراز از دعا، نهایت نوع دوستی و محبت به دیگران را به ما و متربیان می‌آموزد که بهترین الگو و اسوه‌ی عمل برای مربیان است. البته نمونه‌های این محبت‌ورزی را در سراسر دعا به وفور می‌توان یافت، مانند فراز هفتم که ایشان از خداوند می‌خواهند تمامی بدی‌های اطرافیان‌شان را چه دشمن و چه دوست برای ایشان به خوبی و نیکی تبدیل کند<sup>۲</sup> که حکایت از نهایت و شدت کرامت نفس انسان و محبت و خیرخواهی حضرت به اطرافیان‌شان دارد.

۱. بسیاری از مردم از مبدأ وجود غافل هستند و تنها به مظاهر وجود توجه می‌کنند، و چون صورت‌هایی از کمال را در موجودات می‌یابند آن‌ها را محبوب خویش قرار می‌دهند و حال آن‌که قرآن کریم یکی از اوصاف مؤمنان را محبت شدید و عشق به خداوند معرفی می‌کند ... :

...؛ آنان که اهل ایمانند محب و عاشق خداوند هستند. (بقره: ۱۶۵).

۲. در این فرازها می‌فرماید: »

## ۷. روش انذار و تبشیر

«انذار» که به معنای اعلام خطر، بر حذر داشتن و هشدار دادن از عواقب اعمال زشت است، در کنار «تبشیر» که به معنای نوید، مژده و بشارت دادن در قبال انجام کارهای نیک است، دو بازوی قدرمند روش تربیتی می‌باشد که در تربیت اسلامی نقشی ویژه و قابل توجه دارد. استاد شهید آیت‌الله مطهری رحمته‌الله با تشبیه تبشیر به «قائد» و انذار به «سائق»<sup>۱</sup>، کاربرد انذار و تبشیر را در تربیت، روش اصلاحی برای رشد و کمال متربی می‌دانند. انذار مانع حرکت فرد به سوی پستی می‌شود؛ به عبارت دیگر، انذار به عنوان عاملی بازدارنده در تربیت نقش دارد، هم چنان که تبشیر عامل ترغیب متربی به سوی کارهای شایسته می‌گردد. استاد مطهری رحمته‌الله در این باره می‌گوید: «عامل ترس، عامل فرو نشاندن است، عامل رشد و پرورش دادن استعدادهای عالی نیست، ولی عامل جلوگیری [از رشد] استعدادهای پست و پایین و عامل بازدارنده‌ی طغیان‌ها است»<sup>۲</sup>.

امام سجاد علیه‌السلام برای تشویق بشر به کسب فضایل اخلاقی و انجام اعمال خیر، آنان را به ثواب و رضوان الهی، بخشش و نیکی بی پایان حضرت حق بشارت می‌دهد. در پانزدهمین قسمت دعا چنین می‌فرماید:

»  
خدایا به سوی آمرزش تو آمده‌ام و به عفو و بخشش تو آهنگ نیاز نموده‌ام و به گذشت تو آرزومندم و به احسان و نیکی تو اطمینان دارم.»  
ایشان با استفاده از انذار و تبشیر، و آگاهی دادن و ایجاد بینش در متربیان آنان را به اصلاح سفارش می‌کند.  
انذار و تبشیر، مانند محرک بیرونی می‌ماند که به متربی حس انتظار پاداش و کیفر می‌دهد. او درحالتی از انتظار به انجام اعمالی تشویق می‌شود که برایش پاداش اخروی در بر دارد و او را از عذاب‌های سخت دور می‌سازد.

حضرت سجاد علیه‌السلام از این روش توأمان استفاده نموده‌اند تا در روحیه‌ی متربی درباره‌ی خوف و رجا اعتدال رعایت شود. کاربست هم زمان این دو باعث می‌شود که از افراط و تفریط جلوگیری شود. برای مثال، تبشیر زیاد باعث غفلت و انذار بیش از حد باعث یأس می‌گردد. از این رو است که پس از

۱. مرتضی مطهری، سیری در سیره نبوی، تهران، صدرا، چ دهم، ص ۱۸۰ و ۱۸۱.

۲. مرتضی مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، صدرا، ص ۶۰.

فراز تبشیری یاد شده، بی‌درنگ به بخش مربوط به انذار اشاره می‌کنند که حال متربی را در پیش گاه خداوند این گونه ترسیم می‌نمایند:

»

؛ در حالی که چیزی که موجب آمرزش تو گردد در من نیست و نه در کردارم چیزی است که به سبب آن عفو تو را سزاوار باشم. پس از این که بر زیان خود حکم کرده و اعتراف نمودم».

به این مطلب نیز باید توجه داشت که هرچند دعا از زبان امام سجاده علیه السلام است، از آن جایی که امام خود انسانی وارسته و کمال یافته است و اعمال نیک را نه به خاطر شوق به ثواب و ترس از عذاب، بلکه برای رضای خدای متعال انجام می‌دهد. استفاده از این عبارات در مناجات برای ایجاد انگیزه در متربی به منظور انجام رفتارهای شایسته و ترک رفتار ناشایست است. امام از این دو روش برای دیگر سازی و تربیت فرزندان، اطرافیان و مردم استفاده می‌کنند.

به کارگیری این شیوهی امام می‌تواند الگوی عملی برای همه‌ی مربّیان باشد که می‌خواهند با روش‌های صحیح، مترّبان را به اهداف تربیت توحیدی نزدیک نمایند.

## ۸. روش امتحان و ابتلا

ابتلا به معنای غم، اندوه، رنج و نیز به معنای آزمودن در خیر یا شر، آزمایش در نعمت یا محنت و یا گرفتاری شخص به نیکی یا بدی است<sup>۱</sup>. امتحان به این معناست که کاری را به کسی پیشنهاد می‌کنند یا او را در حادثه یا واقعه‌ای قرار می‌دهند تا صفات باطنی او مانند: اطاعت، شجاعت، سخاوت و عفت را دریابند<sup>۲</sup>. این روش همیشه در صحنه‌ی عمل می‌باشد. ابتلا و امتحان برای درک و تشخیص صلاحیت‌ها و توانایی‌های متربی است.

نکته قابل توجه در این روش این است که؛ به کارگیری روش ابتلا و امتحان مربّیان با ابتلای خداوند متفاوت است. گرچه تأسی به روش‌های تربیتی مأخوذ از وحی، بهترین طریق تربیت و تکامل است. اما در مورد روش ابتلا، مربّی نمی‌تواند هر نوع ابتلای الهی یا شبیه آن را در عمل به کار بندد و با آن‌ها متربی را بیازماید؛ زیرا مربّی (بر فرض قدرت) اختیار تصرف در وجود متربی و زندگی او را ندارد.

۱. حسن عمید، فرهنگ عمید، ج ۱، ص ۳۶۶.

۲. محمدحسین طباطبایی رحمته الله علیه، تفسیر المیزان، قم، دارالکتب الاسلامیه، ج ۱، ص ۲۶۴.

مریّان نمی‌توانند به واسطه‌ی امتحان، ضرر جانی یا مالی به متربی بزنند، یا او را به بیماری و کسالت مبتلا کنند. بنابراین به کارگیری روش امتحان مریّان - غیر خداوند - مشروط به نرساندن ضرر جانی یا مالی است؛ زیرا این گونه ابتلا نمودن تنها از اختیارات پروردگار عالم است. اثر تربیتی روش بالا این است که متربی را زبده می‌کند، ناخالصی‌هایش را می‌زداید و زمینه را برای افزودن نقاط قوت فراهم می‌نماید. از آن‌جا که این پالایش درونی فقط در مواجهه‌ی عملی متربی با صحنه‌های امتحان و بلا صورت می‌گیرد، نمی‌توان روش‌هایی هم‌چون موعظه و نصیحت را جای‌گزین آن کرد. براساس این روش، مریّی باید متربی را در عمل درگیر کند تا او با خوبی‌ها و بدی‌ها رو به رو شود و توانایی‌ها را در خویش پدید آورد.

نکته‌ی دیگر این است که باید توجه داشت که خداوند نیازمند امتحان از متربی نیست و از آینده‌ی او با خبر است اما آزمودن برای شناخت کامل متربی از خویشتن و تجربه‌ی ایستادگی در برابر خطاها، ضروری است. مریّان و معلمان غیر معصوم نیز پس از مدتی از کار متربی با خبر می‌شوند اما قصدشان تربیت در عمل است. ابتلا و امتحان در کلمات امام زین العابدین (علیه السلام) به عنوان روش تربیتی، مریّان را به این روش هدایت می‌کند و هم‌چنین اسوه‌ی عملی برای متربیان است.

## ۹. روش تکریم و احترام

یکی از سرمایه‌های فطری انسان غریزه‌ی حبّ ذات است. این غریزه نیروی مهمی در باطن متربی است که اگر با برنامه صحیح رهبری شود، منشأ سعادت خواهد بود. قرآن کریم برای تربیت انسان این شیوه را به کار می‌برد و مقام انسان را در آیات گوناگون می‌ستاید و در مواضع مختلف انسان را مورد خطاب مستقیم خویش قرار می‌دهد<sup>۱</sup>.

با کرامت بخشی به انسان و احترام به او، جایگاه و خواسته‌های او نیز در سطحی عالی و در نهایت کمال تعریف می‌شود. از این روست که امام سجاده (علیه السلام) در فراز نخستین دعا از خداوند می‌خواهد که ایمانم را به کامل‌ترین ایمان برسان و یقینم را بهترین یقین قرار ده و نیت مرا به نیکوترین نیت‌ها و کردارم را به بهترین کردارها برسان. از طرفی دیگر کرامت بخشی به انسان عزت و خویشتن‌داری می‌بخشد که امام زین العابدین (علیه السلام) نیز آن را از خداوند می‌طلبد. «

«.

۱. می‌توان در این مورد به این آیات مراجعه کرد: حجر ۲۹ و البقره ۳۰ و الاسراء ۲۷ و التین ۴.

## ۱۰. روش میانه‌روی و اعتدال

در این روش هدف تربیتی همان متعادل شدن انسان برای کمال و تعالی است.<sup>۱</sup> نکته جالب در این روش این است که علاوه بر روش تربیتی بودن، خود، هدف تربیت نیز هست. روش میانه روی و اعتدال برای پیش‌گیری از آفات و افراط و تفریط و از روش‌های اصلاحی - تربیتی است. امام سجاد (ع) نیز که مربی بشریت و مجری نظام تربیت اسلام است از این روش چون روش‌های دیگر سود جسته است و در فراز هجدهم دعای شریف مکارم الاخلاق به آن این گونه اشاره کرده‌اند: «اقتصاد از واژه قصد و به معنی راست و متوسط و معتدل به کار رفته است.<sup>۲</sup> این فراز را باید این گونه معنی کرد: «و مرا از میانه‌روی بهره‌مند گردان». نمونه‌ی عملی‌تر و محسوس این روش را می‌توان در فراز چهارم این دعای شریف نیز این گونه یافت:

»

؛ و مرا در میان مردم به درجه و مقامی  
سرفراز مفرما جز آن که پیش نفسم پست نمایی و ارجمندی آشکار برایم پدید می‌آورد  
آن که به همان اندازه پیش نفسم برای من خواری پنهانی پدید آوری.»  
اصل اعتدال و میانه‌روی در نظام تربیتی اسلام در دو بعد روحانی و جسمانی لازم و ضروری است. امام در این فراز، اعتدال را در تناسب مرتبه و رفعت مقام میان مردم و از بُعدی، اعتراف به خُردی خود در نزد خویشان می‌شمارند که برآورد این دو نیرو اعتدال و میانه‌روی است.  
امام چون مربی حکیم و عالمی به تمام زوایای وجودی متربی نظر دارد و پرداختن به امور معنوی و روحانی و اجتماعی او را از امور ظاهری چون اقتصاد و معیشت باز نمی‌دارد. به همین دلیل، در قسمت بیست و دوم این دعا چنین نیایش می‌نمایند:

»

؛ و مرا به توانگری  
گمراه مساز و زندگی آسوده که در آن رنج نباشد به من عطا فرما، و زندگانیم را سخت و دشوار قرار مده.»

۱. محمد جواد لیاقت دار، تعلیم و تربیت از دیدگاه امام سجاد (ع)، قم، نشر معارف، ج اول، ۱۳۸۶، ص ۱۲۹.

۲. علی اکبر قریشی، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۲، ج ۶، ص ۸.

## ۱۱. روش تنبّه

این روش چند بُعد دارد. اول، بعدی است که مربی داوطلبانه برای دوری از غفلت و انحراف از مربی خود طلب تنبّه و تذکر می‌کند همان‌طور که امام در فراز بیست و نهم دعا چنین می‌فرماید:

»

ساز.»

بعد دوم، تنبّه مربی به وسیله مربی یا شخص ثالث است. امام در فراز هفتم از دعا از این روش استفاده کرده‌اند. ایشان که در واقع قصد تنبّه مخاطبین را دارند، به دلیل نزدیکی و قرابت ایمانی و انسانی، به صورتی بسیار ملایم و ظریف<sup>۱</sup> می‌فرمایند:

» ...

..».

ایشان با این فرازها مخاطبین خود را دعوت به حیا نموده، آن‌ها را به صفات بدشان آگاه می‌کنند و با دعا در حق آن‌ها محبت خویش را آشکار می‌سازد و به نحوی علاقه‌شان را نیز به خود بر می‌انگیزد.

امام سجاد علیه السلام در فراز بعدی، فراز هشتم، جنبه‌ای دیگر از روش تنبیهی را متذکر می‌شوند و آن، شیوهی تنبّه و برخورد با دشمنان و کسانی است که خصومت و ناسازگاری می‌کنند. در این مرحله امام سه روش را برای مبارزه و تنبیه دشمنان پیشنهاد می‌کند:

اول) روش زبانی که آن حضرت از خدا برای تقویت حجت و برهان در برابر تبلیغات دشمن، درخواست می‌کند. »

دوم) روش عملی که می‌توان به دعای آن حضرت برای اعطای قدرت و ظفر از جانب خدا در مقابل دشمنان در فراز هشتم دعا اشاره کرد: »

...».

سوم) روش فکری<sup>۲</sup> که نمونه‌های آن را می‌توان در دعای امام برای اعطای فراست و زیرکی برابر دشمنان یافت. »

ساز

سال دوم - شماره ۳ - پاییز و زمستان ۱۳۹۰

۱. محمد جواد لیاقت دار، تعلیم و تربیت از دیدگاه امام سجاد علیه السلام، ص ۱۴۲.

۲. همان، ص ۱۵۲.

## ۱۲. روش تقلید آگاهانه یا الگویی

در عبارت آخر فراز هشتم، امام از خدا طلب توفیق در اطاعت، پیروی و فرمان بری از مرشدان، موعظه‌گران، معلمان و خیرخواهان حقیقی می‌نماید:»

«.

این روش که ناظر به چند اصل تربیتی است نکاتی را در بردارد؛ از جمله:

الف) توجه به ضرورت وجود الگوی صحیح؛

ب) اهمیت شیوه‌ی تقلید در تربیت؛

ج) ضرورت و ارزش موعظه و ارشاد؛

د) مشاوره و ضرورت تبعیت از الگوی شایسته؛

الگوپذیری از این جملات فراز دهم دعای مکارم الاخلاق، بسیار روشن و روشن‌گر است که

؛ مرا به زینت صالحان و شایستگان آراسته فرما و زیور

»

پرهیزکاران را به من بپوشان».

## ۱۳. روش تشویق

تشویق در لغت به معنای به شوق آوردن کسی است، و در نظام تربیتی اسلام به روش‌هایی می‌گویند که باعث وجد و فرح انسان شده و او را در تداوم عمل صالح و پسندیده، ثابت قدم و با انگیزه کند.<sup>۱</sup> عبارت « که در فراز دهم دعا آمده است و به معنای فاش کردن خوبی‌هاست و اشاره به بایستگی و اصرار نظام تربیتی اسلام بر این روش دارد.

## ۱۴. روش تسلیم در مقابل مربی

این روش مختص نظام تربیتی اسلام است و توأمان هدف و روش تربیتی را در بر می‌گیرد. این روش اوج توحید افعالی، قله‌ی اعتماد متری به مربی، بیان‌گر اوج رابطه عاشقانه و سراسر از محبت بین آن‌ها و در پایان، فنای در معشوق است که در هیچ نظام آموزشی و تربیتی نمونه‌ی آن را نمی‌توان یافت.

این روش فقط و فقط در نظام تربیتی اسلامی و یا به بیانی واضح‌تر در نظام تربیتی اهل بیت (ع) تعریف شده است؛ زیرا که در این نظام، نخستین مربی، وجود باری تعالی خالق انسان

۱. محمد جواد لیاقت دار، تعلیم و تربیت از دیدگاه امام سجاد (ع)، ص ۱۵۹.

است و در این سلسله، پیامبر و اهل بیت علیهم السلام با ویژگی خاص عصمت و علم الهی قرار دارند. چرا نباید تسلیم محض ایشان بود که ایشان حبل الله و صراط هدایت‌اند.

در روش تسلیم است که انسان همه چیز را از خدای خویش می‌خواهد، حتی از نفس خویش در پیش‌گاه خداوند شکایت می‌کند و از شر خویش به او پناه می‌برد. هم‌چنان که امام سجاد علیه السلام در فراز نوزدهم دعا چنین می‌گویند:

»

؛ بارخدا یا برای خود از نفس من بهره‌ای بگیر که آن را از عذاب برهاند و آن‌چه آن را به صلاح و سازگاری آورد برای من بگذارد؛ زیرا نفس من تباه شونده است مگر تو آن را نگاه داری».

در پایان باید گفت که نظام تربیتی اهل بیت علیهم السلام تنها نظام تربیتی است که به خاطر اتصال به منبع صحیح و مطمئن الهی از خطاها و کژی‌ها مصون است. این نظام که با هدف عبودیت شکل یافته است، در قلّه‌ی روش‌های خود روش تسلیم یا عبودیت را دارد. این یعنی آغاز و پایان این نظام مانند همگی نظام‌های تکوینی جهان در سیطره‌ی قدرت خداوند و به سوی اوست.



## جمع بندی

باید افزود که شاخصه‌ی خاص نظام تربیتی اسلام، اعتقاد و ایمان به معاد و داشتن تکیه گاهی چون خداست. وجود چنین اعتقادی و دانستن این که تمامی امور به خداوندگار مهربان ختم می‌گردد، بدین معناست که در سراسر این نظام برای متربی یک جهت خاص و یک غایت متعالی در پیرامون تربیت تعریف شده است.

با بازخوانی روش‌ها و هدف‌های تربیتی امام سجاد علیه السلام در این دعای باشکوه و زیبا و توجه به آموزه‌های آن، افق‌های بسیار بلندی در مقابل انسان گشوده خواهد شد. توجه به معارف بلند چنین دعاهایی است که انسان را خواهان آن می‌سازد که خویشتن خویش را تجلی‌گاه صفات خدا و آینده‌ی بی‌زنگار خالق میان خلق قرار دهد.

غایت این دعا آن است که فرد، مکارم اخلاق را نه فقط برای خود، بلکه برای همه‌ی افراد جامعه بخواهد و این یعنی اصلاح رابطه‌ی شخص با خدا و مردم. اصلاحی با انگیزه‌ی خیرخواهی و خوبی و زیبایی. این احساس چنان در انسان قوت می‌گیرد که گویی هیچ چیز نزد او به اندازه‌ی لبخند رضایت محبوبش خواستنی و خوشایند نیست.

خلاصه

سیره‌ی تربیتی امام سجاد علیه السلام در دعای مکارم الاخلاق

## منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. صحیفه کامله سجادیه، ترجمه و شرح سیدعلی نقی فیض الاسلام، چ پنجم، تهران، موسسه انتشارات فقیه، فروردین ۱۳۷۸.
۳. نراقی، مهدی، علم اخلاق اسلامی، ترجمه‌ی جامع السادات و جلال الدین مجتبیوی، چ سوم، تهران، حکمت، ۱۳۶۶.
۴. رجب‌علی، مظلومی، کلیدهای تربیتی و تعلیمی برای اولیای تربیتی، تهران، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۶۴.
۵. باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران.
۶. آمدی، غررالحکم، ش ۱۴۸۶.
۷. فلسفی، محمدتقی، گفتار فلسفی: اخلاق از نظر همزیستی و ارزش‌های انسانی، تهران، هیئت نشر معارف اسلامی.
۸. مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، قم، امیرالمؤمنین.
۹. فلسفی، محمدتقی، اخلاق از نظر همزیستی و ارزش‌های انسانی.
۱۰. امید، حسن، فرهنگ عمید.
۱۱. مطهری، مرتضی، سیری در سیره‌ی نبوی، چ دهم تهران، صدرا.
۱۲. مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، صدرا.
۱۳. طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، قم، دارالکتب الاسلامیه.
۱۴. لیاقت دار، محمد جواد، تعلیم و تربیت از دیدگاه امام سجاد علیه السلام، چ اول، قم، نشر معارف، ۱۳۸۶.
۱۵. قریشی، علی اکبر، قاموس قرآن، ج ششم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۲.
۱۶. فرزانه، علی اصغر، جمال روح، مشهد، اداره امور فرهنگی آستان قدس رضوی، دی ۱۳۶۵.
۱۷. امینی، ابراهیم، اسلام و تعلیم و تربیت، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۸. ممدوحی کرمانشاهی، حسن، شهود و شناخت، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۴.
۱۹. فلاح پور، زهرا، روش‌های تربیتی امام سجاد علیه السلام، پایگاه حوزه نت، سوم شهریور ۱۳۸۹.
۲۰. مجله‌ی معرفت، شماره ۵۷، نگاهی به مبانی، اصول، روش‌ها و اهداف تربیتی در صحیفه سجادیه، ابرهیمی فر، علی‌اصغر، پایگاه حوزه نت، سوم شهریور ۱۳۸۹.